

روانشناسی خانواده

Family Psychology

چگونگی پرورش نسل جدید، یکی از مهمترین مسائلی است که پیشرفت یک کشور بدان وابسته است. با در نظر داشتن این واقعیت که چرخه‌های یک ملت به همت نیروی جوانانی که روزی کودک بوده‌اند به جریان می‌افتند، باید پذیرفت که اگر ملتی خواهان اعتلا باشد، عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های خود را بر کودکان متمرکز می‌سازد. در بین نهادهایی که به تربیت کودکان اختصاص یافته‌اند، خانواده بنیادی‌ترین و مهمترین نقش را ایفا می‌کند. بنابراین بسیاری از روان‌شناسان بر آنند تا با دستیابی به عوامل مؤثر بر ساختار خانواده، سلامت روانی خانواده و کودکانی را که در آن پرورش می‌یابند تأمین کنند. چکیده پژوهش‌های حاضر به بررسی ساختار روان‌شناختی خانواده اختصاص یافته است. با این امید که نتایج این پژوهش‌ها راهگشای پژوهش‌های بعدی و تربیت فرزندان باشد، که به اعتلای کشور خویش می‌انديشند.

مه‌ار روان‌شناختی والدینی و ابعاد شکل‌گیری هویت در آستانه بزرگسالی

Luyckx, K., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Goossens, L., & Berzonsky, M. D. (2007). Parental psychological control and dimensions of identity formation in emerging adulthood. *Journal of Family Psychology*, 21 (3), 546-550.

در این پژوهش از داده‌های طولی به منظور ارزیابی پیامد منفی مه‌ار روان‌شناختی والدینی بر شکل‌گیری هویت، استفاده شد. مه‌ار روان‌شناختی ادراک شده و چهار بعد هویت (مانند احساس تعهد، گستره اکتشاف، همسان‌سازی با تعهد و اکتشاف عمیق) در پنج نوبت در نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه ارزیابی شد. ارتباط‌های مه‌ار روان‌شناختی با هویت (مانند ارتباط‌های منفی با ابعاد تعهد و ارتباط مثبت با گستره اکتشاف) در طول زمان ثابت بودند. افزون بر آن، مسیرهای تحولی این سازه‌ها به نظر همبسته می‌رسیدند. افزایش مه‌ار روان‌شناختی با کاهش همزمان در هر دو بعد تعهد همراه بود. بالاخره، به تأثیرات متقابل دست یافته شد: مه‌ار روان‌شناختی به بازداری پیشرفت در هر دو بعد تعهد منجر شد، در حالی که گستره اکتشاف، افزایش مه‌ار روان‌شناختی را در پی داشت. پژوهشگران پیشنهادهایی را برای کمک به کسانی که در آستانه بزرگسالی قرار داشتند به منظور رسیدن به توانایی شکل‌گیری هویت ارائه دادند.

ارتباط طولی بین بخشش و حل تعارض در ازدواج

Fincham, F. D., Beach, S. R. H., & Davila, J. (2007). Longitudinal relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 21 (3), 542-545.

آیا بخشش یا گذشت پیش‌بینی‌کننده حل تعارض بعدی در زوج‌های متأهل است؟ به منظور پاسخ به این پرسش، نتایج حاصل از پژوهشی که توسط فینچام، بیچ و داویلا (۲۰۰۴) براساس یک پیگیری ۱۲ ماهه در باره حل تعارض از زوج‌هایی که گزارش‌هایی در مورد گذشت و حل تعارض ارائه داده بودند جمع‌آوری شدند. در زنان، بُعد مثبت بخشش یا گذشت پیش‌بینی‌کننده گزارش‌های بعدی مردان در باره بهتر مهارکردن حل تعارض در نخستین سطوح تعارض بود، بدون آنکه به

رضایت زناشویی زنان و میزان صدمه ایجاد شده توسط قانون شکنی مردان وابسته باشد. در شوهران تنها پیش بینی کننده گزارش‌های زنان در باره حل تعارض بعدی، شیوه اولیه حل تعارض بود. یافته‌ها با توجه به جهت تأثیر بین گذشت و حل تعارض و با توجه به مکانیزمهایی که آنها را پیوند می‌داد، مورد بحث قرار گرفتند.

ارتباط بین تعارض والدینی با تحول بازداری رفتاری و مشکلات رفتاری در دوره نخستین کودکی

Pauli-Pott, U., & Beckmann, D. (2007). On the association of interparental conflict with developing behavioral inhibition and behavior problems in early childhood. *Journal of Family Psychology, 21 (3)*, 529-532.

ارتباط بین تعارض والدینی و تحول ویژگی‌های مزاجی بندرت مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، پژوهش‌ها در باره پیامد تعارض بین والدینی بر افزایش مشکلات رفتاری در سنین نوزادی و نخستین سالهای کودکی نسبتاً اندک‌اند. بنابراین، پژوهشگران تصمیم گرفتند تا به بررسی پیامدهای این تعارض بپردازند. بدین منظور، نمونه‌ای از ۶۴ خانواده به صورت طولی بررسی شدند. در نوزادان ۴ ماهه، هیجان‌پذیری منفی توسط یک شیوه آزمایشگاهی متداول اندازه‌گیری شد. هنگامی که نوزادان ۴، ۸ و ۱۲ ماهه بودند، حساسیت مادرانه بر اساس مشاهدات در خانه و تعارض بین والدینی به وسیله پرسشنامه‌ها اندازه‌گیری شد. هنگامی که نوزادان ۳۰ ماهه بودند، بازداری رفتاری بر اساس دو وهله ترس آزمایشگاهی و مشکلات رفتاری با یک مصاحبه ساخت یافته بالینی با نخستین مراقب، ارزیابی شدند. تعارض بین والدینی و هیجان‌پذیری منفی نوزاد به صورت معنادار و مستقل با بازداری رفتاری بعدی همراه بود. توأم بودن تعارض بین والدینی با مشکلات رفتاری بر اساس هیجان‌پذیری منفی نوزاد تعدیل شد. وقتی نوزادان واجد هیجان‌پذیری منفی بالا با مشکلات تعارضی شدید والدین مواجه می‌شدند مشکلات رفتاری بیشتری نشان می‌دادند، در حالی که این ارتباط در نوزادان با هیجان‌پذیری منفی پایین معنادار نبود.

تنبیه بدنی والدین مشکلات رفتاری دوره اول کودکی را پیش‌بینی می‌کند.

Mulvaney, M. K., & Mebert, C.J. (2007). Parental corporal punishment predicts behavior problems in early childhood. *Journal of Family Psychology, 21 (3)*, 389-397.

با استفاده از داده‌های «مؤسسه ملی سلامت کودک» و «بررسی تحول انسانی در خلال نخستین مراقبت‌ها از کودک» و «تحول نوجوانی» (مؤسسه پژوهشی سه ضلعی، ۲۰۰۲) در این پژوهش به بررسی اثر تنبیه بدنی بر مشکلات رفتاری کودکان پرداخته شد. تحلیل‌های طولی کنترل تغییر همزمان محتوایی و متغیرهای فرزند پروری و اثرات جزئی بر کودک را مشخص کردند. نتایج نشان دادند که تنبیه بدنی از سوی والدین منحصراً بر همسازی رفتاری منفی در کودکان ۳۶ ماهه و در کلاس اول اثر می‌گذارد، درحالی که آثار آن در سنین پایین‌تر در کودکان با مشکلات مزاجی بیشتر است. والدین و متخصصان بهداشت روانی که با هدف تغییر رفتار منفی کودکان کار می‌کنند باید از این پیامد منحصر به فرد که تنبیه بدنی می‌تواند موجب تشدید و حفظ مشکلات رفتاری کودکان شود، آگاه باشند. سیاست‌های کلی مرتبط با خانواده که کاربرد این رفتار والدینی را کاهش می‌دهند، بالقوه به افزایش بهداشت روانی کودکان می‌انجامد و کاهش وقوع مشکلات رفتاری را در پی دارند.